

زنے میان ما

گریہ ہندریکس

انتشارات
آئیسہ

سرشناسه	: هندریکس، گریر
عنوان و نام پدیدآور	: Hendricks, Greer
مشخصات نشر	: زنی میان ما / نویسندگان گریر هندریکس، سارا پکانن؛ مترجم سعید اختری زاده.
مشخصات ظاهری	: تهران: انتشارات آتیسا، ۱۳۹۸.
شابک	: ۴۲۴ ص.
وضعیت فهرست نویسی	: ۶۲۲-۶۶۱۱-۵۷-۲۹۷۸-۶۲۲-۶۶۱۱-۵۷-۲۹۷۸
یادداشت	: فیفا
عنوان دیگر	: عنوان اصلی: The wife between us, 2018.
موضوع	: همسر میان ما.
موضوع	: داستان های آمریکایی -- قرن ۲۱ م.
شناسه رده	: موضوع American fiction -- 21st century
شناسه افزوده	: پکانن، سارا
شناسه افزوده	: Pekkanen, Sarah
شناسه افزوده	: اختری زاده، سعید، ۱۳۵۲ -، مترجم
شناسه افزوده	: akhtarizadeh, sa
رده بندی کنگره	: PS۳۶۲۵
رده بندی دیویی	: ۶۱۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۵/ ۴۷۳۰

انتشارات
آتیسا

دفتر انتشارات: خیابان انقلاب - خیابان لبافی نژاد - مایه خیابان دانشگاه و خیابان ابوریحان -
پلاک ۱۱۵ تلفن: ۶۶۴۹۸۳۰۰ - ۶۶۴۶۵۸۸۱

زنی میان ما

- ♦ مولف: گریر هندریکس - سارا پکانن
- ♦ مترجم: سعید اختری زاد
- ♦ ویراستار: نسرین نظری راد
- ♦ ناشر: آتیسا
- ♦ نوبت چاپ: یکم ۱۳۹۸
- ♦ شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- ♦ شابک: ۷-۵۲-۶۶۱۱-۶۲۲-۹۷۸
- ♦ مدیر فنی: علیرضا فرهمند
- ♦ طراح جلد: تکتیم سلمانی

پیشگفتار

اینجا در خیابان، زندگی با سرعت بسیار زیادی در جریان است؛ اما همه مغازه‌ها با آن ویتربهای رنگارنگ و جذاب، رفت‌وآمد مردم، سروصدای ماشین‌ها یا بوق‌های رسام‌آریشان، هیچ‌کدام نمی‌توانستند نگاه من را از آن زن موطلائی منحرف کنند. حرکت موج مهایش که تا روی شانه‌هایش بود، با قدم‌های تندی که برمی‌داشت، بیشتر می‌زد. سرخی گونه‌هایش کاملاً به چشم می‌آمد. وقتی به در ورودی آپارتمانش رسید، کلید را از کفش بیرون آورد و در قفل در چرخاند.

داخل شد؛ اما با ناگهانیستاد و به اطراف نگاهی انداخت. همین رفتار او، شوکی بود که در این لحظه من وارد شد و همان طور که دزدکی در حال نگاه کردن به او بودم، ناگهان مرا، تنم سیخ شد. ترسیدم نکند متوجه نگاه‌های خیره من به خودش شده باشد؛ نکند فهمیده است که در طول مسیر چشم از او برنداشته‌ام! هنگامی که فردی به شکل غیرعادی، فردی دیگر را زیر نظر می‌گیرد، به این حرکت «ردیابی نگاه» گفته می‌شود. در نزد انسان، سیستم کلی مختص این ژن است که باید گفت این ژن کاملاً وراثتی بوده و اجدادمان به ارث می‌رسد. درواقع همین سیستم، زمانی که انسان‌ها در معرض حمله حیوانات قرار می‌گرفتند، به مثابه عاملی هشداردهنده عمل می‌کرد. من به تقویت این حس، توانستم کاملاً از آن پیروی کنم.

اما، ترس من بی‌مورد بود؛ زیرا زن بعد از کمی مکث، بدون توجه به حضور من به راه خود ادامه داد و اصلاً متوجه رفتار و کار من نشده بود.

او نسبت به آسیب و خرابی‌ای که من باعثش بودم، هیچ آگاهی نداشت. او همان زنی بود که همسرم ریچارد، به خاطرش زندگی با من را رها و مرا ترک کرد. او زنی زیبا با صورتی به شکل قلب و اندامی متناسب بود که ذهن مرا به کلی به

خودش مشغول کرده بود؛ اما در عین حال، در نظر او من حتی با پرندگان خیابان نیز تفاوت چندانی نداشتم. ادامه این رفتار او باعث می‌شود تا هیچ‌گاه متوجه نشود چه بلایی بر سرش آمده است؛ هیچ‌گاه.